

شما کدام یک را می‌پسندید: استعداد داشتن یا تلاش بیشتر؟



اگر توجه کرده باشید همه‌ی مردم آروزی دست یافتن به اهداف و موفقیت‌های بزرگ را در سر می‌پرورانند و اگر شخصی به این نقطه از موفقیت برسد همه‌ی مردم می‌گویند: "عجب شانسی داشت" یا "همش به خاطر استعدادش بود". این تصوراتی است که از افراد موفق در ذهن افراد ناموفق وجود دارد و همین موضوع کوچک تفاوت افکار افراد ناموفق و افراد موفق است.

به گونه‌ای افراد موفق را در ذهن خودشان تداعی می‌کنند که هیچ‌گاه خودشان و شخص دیگری را اینگونه تصور نکرده‌اند. اگر افراد موفق در کسب و کارش موفقیتی بدست بیاورد همه چیز را به استعداد وی لقب می‌دهند. اما در پشت پرده چیز دیگری نهفته است. هیچ‌کدام از مردم سعی، تلاش، کوشش و سخت‌کوشی افراد موفق را به چشم نمی‌بینند.

این روزها صحبت از بیل گیتس و استیو جابز که به میان می‌آید، می‌گویند آن‌ها هم با استعداد بودند. نظر شما چیه؟

این حرف استعداد صحیح است و شکی در آن نیست، اما این یک طرف قضیه است. اگر واقعاً بیل گیتس و استیو جابز با استعداد بودند آیا از دانشگاه اخراج می‌شدند؟ آیا ترک تحصیل می‌کردند؟

آن‌ها استعداد خودشان را در درس خواندن نمی‌دیدند. آن‌ها با استعدادهایی که داشتند و صد البته سعی و تلاش و سخت‌کوشی که از آن به بعد به دست آوردند توانستند شرکت [مایکروسافت](#) و [اپل](#) را بوجود بیاورند. پس همیشه استعداد کافی لازمه‌ی موفقیت نیست.

اگر در اینترنت یک جستجوی ساده انجام دهید خواهید دید که بیشتر اشخاصی که ثروت‌های نجومی بدست آورده‌اند بیشتر تکیه بر سخت‌کوشی خود کرده‌اند نه استعدادشان. به طور مثال جف بزوس مؤسس سایت آمازون

حدود ۵ سال هیچ درآمدی نداشت و بعد از آن بود که به درآمد رسید. آیا این به نظر شما به استعداد ارتباط دارد یا به سخت کوشی و عجله نکردن در کسب درآمد از اینترنت؟

یک مثال دیگر: کریستیانو رونالدو زمانی که در مدرسه بود معلمش از وی می پرسد که می خواهی چکاره شوی؟ رونالدو می گوید می خواهم فوتبالیست شوم. معلم خنده ای می کند و می گوید: از هر ۳۰۰ کودک یک نفر فوتبالیست می شود. اما رونالدو می گوید: من می توانم. و آخر هم توانست. نه با استعدادش بلکه با زحمت و تلاشی که کرد.

بچه که بودم روزی معلممان از من پرسید :
وقتی بزرگ شدی
می خواهی چه کاره شوی؟
من گفتم : **فوتبالیست.**
معلم گفت :
تو نمیتوانی فوتبالیست شوی
از هر ۳۰۰ کودک یک نفر فوتبالیست می شود.
من گفتم :
"میخواهم آن یک نفر من باشم"
آن روز معلم و همه همکلاسی هایم
با صدای بلند به من خندیدند
ولی حالا منم که میخندم..
- کریستیانو رونالدو -

kafeniaz.com

سعی کنید که در کنار کاری که انجام می دهید سخت تلاش کنید و به خودتان انگیزه بدهید. همه چیز را به با استعداد بودن برچسب نزنید. شما زمانی می توانید شخصی را با استعداد جلوه دهید که واقعاً تلاش و سخت کوشی وی را دیده باشید.

کلید اصلی رسیدن به موفقیت سعی، تلاش، کوشش و سخت کوشی است. شما هم می توانید با تکیه بر ضمیر ناخودآگاهتان و با استعدادی که دارید و صد البته با تلاشی که از خودتان نشان می دهید به موفقیت برسید. در این مقاله هم سعی داریم که سه مرحله ای اصلی برای رسیدن به موفقیت به شما ارائه دهیم. گام هایی که می تواند توانتان را دو چندان کند برای آنچه که در ذهن دارید.

۱. همیشه به دنبال علایق خود باشید



یک روز از "پیر امیدیار" مؤسس ایرانی الاصل سایت eBay می پرسند: شما این همه کار می کنید خسته نمی شوید؟ پیر امیدیار گفت: من در طول عمرم هرگز کار نکرده ام. چون به کاری که می کنم علاقه دارم پس هرگز خسته نمی شوم.

شما هم سعی کنید در طول روز فکر کنید و ببینید چه کاری برای شما مهم و دارای اهمیت است.

چه کاری شما را خسته و افسرده نمی کند.

در طول روز به چه چیزی فکر می کنید و آیا این فکر شما مثبت است یا منفی.

چه کاری برای شما به عنوان زنگ تفریح است.

این موارد را لیست برداری کنید و به دنبال آنها باشید. به شما قول می‌دهم اگر به دنبال علایق خودتان باشید دیری نخواهد رسید که به هر آنچه که می‌خواهید دست خواهید یافت.

۲. از قدرت تمرین کردن غافل نشوید



به طور مثال زمانی که متوجه شدید در زمینه‌ی آشپزی علاقه دارید و می‌توانید در آن پیشرفت چشمگیری پیدا کنید، سعی کنید که به دنبال تسلط کامل بر این مهارت باشید. کلاس‌های آشپزی ثبت نام کنید و یا کتاب‌ها، مجلات و ویدیوهای آموزشی تهیه نمایید و به این نکته توجه داشته باشید که، از کم شروع کنید. سعی نکنید از همان اول به سرآشپز شدن فکر کنید. کم کم شروع کنید ولی با تمرین زیاد. رمز موفقیت در این مرحله تمرین زیاد است.

۳. از اشخاصی که این مراحل را طی کرده‌اند مشورت بطلبید



**یکی از اصول مشورت کردن،
یا مشاوره گرفتن،
این هست که افراد مجاز
طرف مشورت یا مشاوره شما باشند**

**در غیر این صورت،
مشورت نکردن، بهترین گزینه است.**

هیچ وقت مشورت طلبیدن عزت نفس و غرور شما را زیر سؤال نخواهد برد. پس سعی نکنید که بخواهید به تنهایی این مرحله را طی کنید. از اشخاصی که به نظرتان این مراحل را طی کرده‌اند مشورت بخواهید و نظر آنها را در این مورد جویا شوید. اگر از شما انتقاد کردند، ناراحت نشوید و برعکس از آنها تشکر کنید که نقاط ضعف شما را گوشزد کرده‌اند.

با نظرات و انتقاداتی که به شما وارد می‌شود، سعی کنید که تلاش و سخت کوشی خودتان را دوباره نمایید. این اصلاً مهم نیست که نظر دیگران در مورد شما چیست. اگر شما ذره‌ای استعداد نداشته باشید اما به تلاش و کوشش خودتان ادامه دهید مطمئن باشید از افرادی که با استعدادتر از شما هستند خیلی سریع‌تر به موفقیت خواهید رسید.

سخن آخر

سعی کنید که به خودتان و کاری که می‌کنید **باور** داشته باشید. **باور انسان‌های موفق** را در خودتان پرورش دهید. اگر به دنبال اهدافتان هستید پس سخت کوشی را در اولویت کاریتان قرار دهید. این نکته را مد نظر داشته باشید که اگر برای رسیدن به اهداف خودتان هر سختی را به جان بخرید دیگر هیچ مشکل و دلیلی وجود نخواهد داشت که نتوانید به موفقیت برسید.

از این به بعد می‌توانید این جمله را به اشخاصی که به شما می‌گویند شما با استعداد بودید بگویید که "همه‌ی این موفقیت‌ها را مدیون سعی و تلاش و سخت کوشی خودم بوده‌ام، نه استعدادم".